این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

خشنودی مخلوق به قیمت غضب خالق!

آیت‌الله سعادت‌پرور(ره):

در شام، هنگامی که خطیبی به فرمان یزید به منبر می‌رود و در ذم امیرمؤمنان و امام حسین (ع) سخنانی می‌گوید، امام سجاد(ع) با صدای بلند به او می‌فرماید: «وَیْلَکَ، أَیُّهَا الْخاطِبُ، إِشْتَرَیْتَ مَرْضاةَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخالِقِ، فَتَبَوَّأْ مَقْعَدَکَ مِنَ النّارِ: وای بر تو ای خطیب، خشنودی مخلوق را به قیمت غضب خالق خریدی؛ پس جایگاه خود از آتش [جهنم] را انتخاب کن.»

چه خوب است شیعیان آن امام راستین و بلکه هر مسلمان خداپرستی، در همه امور و در زندگی فردی و اجتماعی خود، این کلام امام را سرلوحه کارهای خود قرار دهند؛ خواه حاکم، خواه عالم و خواه از مردم معمولی؛ چه در محیط خانوادگی و چه در جامعه باشند.

منبع: کانال «ندای سعادت» در پیامرسان ایتا، برگرفته از کتاب فروغ شهادت.

مبلّغ دین باید مبلّغ سماحت و سهولت دین باشد

کانال تلگرامی «بنیاد شهید مطهری» بخشی از فرمایشات استاد شهید را بر اساس کتاب «سیری در سیره نبوی، صفحه ۱۹۰» به اشتراک گذاشت. استاد مطهری فرموده‌اند: یکی از چیزهایی که به موجب آن اسلام همه را جذب می‌کند همین سهولت و سماحت این دین است. پیغمبر(ص) فرمود یک نفر مبلغ باید مبلغ سماحت و سهولت این دین باشد، کاری کند که مردم به امر دین تشویق و ترغیب بشوند.

پشت‌پرده شایعه گرانی بنزین

مهدی محمدی در رشته توئیتی نوشت: شایعه گرانی بنزین، اخبار ضد و نقیض از گرانی نان، ایجاد تقابل اجتماعی در مسئله حجاب، تعلیق در مذاکرات هسته‌ای، متهم کردن نظام به تقلب در مسئله حیاتی مانند کنکور، فاسدنمایی پی‌درپی مسئولان کشور، شروع فراخوان‌ها برای انتهای شهریور و بسی چیزهای دیگر که کمی پنهان‌تر است؛ همگی یعنی برنامه‌ای بزرگ برای بازتولید آشوب‌های سال گذشته وجود دارد. اگر طراحی آشوب‌ها ظریف و پیچیده بود، باید انتظار داشت طراحی برای تکرار آن ظریف‌تر و پیچیده‌تر باشد. مراقب باشیم سه ماه دیگر نگوییم کاش چنین و چنان نمی‌کردیم!

خلاقیتی عجیب در فروش!

کانال تلگرامی «خلاقیت بدون مرز» نوشت: میگن که این آقا به اسم «Duston Lui»، خونه‌ش رو به قیمت ۸۰۰ هزار پوند به فروش میذاره، اما هیچ مشتری برای خرید خونه پا پیش نمیذاره. ایشون هم یه ایده به ذهنش میاد؛ اعلام میکنه که چون نتونسته خونه‌ش رو به قیمت مناسب بفروشه، میخواد اون رو به قیمت فقط یک پوند به شکل قرعه‌کشی بفروشه. حدود ۲ میلیون نفر بلیت یک پوندی میخرن تا شانس‌شون رو امتحان کنن، ایشون به قولش عمل میکنه و قرعه‌کشی رو انجام میده و خونه رو به آدم خوش‌شانسی که اسمش در قرعه‌کشی دراومده، به قیمت یک پوند میفروشه. خودش هم در نهایت ۲ میلیون پوند باقی‌مونده رو به جیب میزنه و میره، به همین قشنگی!

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به دستگیری محمد صادقی

نمادی از جریان بیمار سلبریتیسم

محمد صادقی، بازیگر تازه‌کاری که در یک لایو اینستاگرامی، مردم را دعوت به استفاده از سلاح سرد و تهدید به قتل پلیس کرده بود، بازداشت شد. دستگیری محمد صادقی با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. او تبدیل به یکی از اینفلوئنسرهای اینستاگرامی شده بود و مدت‌ها به ترویج همجنس‌گرایی می‌پرداخت. دستگیری او جار و جنجال‌های بسیاری برپا کرد. کاربران از وجوه مختلفی بدین دستگیری پرداختند. آنها اشاره داشتند که صادقی نمادی از انحراف رسانه‌ای و جریان بیمار سلبریتی‌زدگی است. در ادامه بخش‌هایی از این واکنش‌ها را مرور کرده‌ایم.

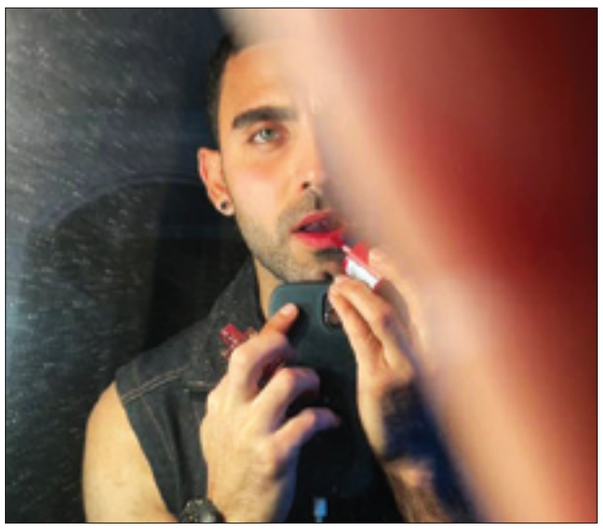

تقی دژاکام:
محمد صادقی رو دستگیر کرده‌اند، آنقدر زود به غلط خوردن افتاده که فرصت نکرده‌اند لاک ناخوناش رو پاک کنند. باز هم خدا رو شکر قبل از دستگیری گوشواره‌هاش رو درآورده بوده، رژ لبش رو هم پاک کرده بوده! خیلی خیلی جمهوری اسلامی بدبخته که اپوزیسیونش اینها هستند.

حبیب‌الله ترکاشوند:
محمد صادقی همجنس‌باز تا دیروز مردم رو تحریک میکرد بجای شال باید چاقو و کلت بندازید گردنتون بیایید بیرون، حالا امروز که دستگیر شده برای رسانه‌های معاند شده تنها یک بازیگر مظلوم تئاتر!

نجمه مشایخی:
پروژه لولیتاسازی و دعوت به طغیان اخلاقی: نمی‌خواستم درباره محمد صادقی توئیت بزنم چون از دیدن تصاویرش تهوع می‌گرفتم. اما حس کردم می‌شود به قضیه محمد صادقی و امثالش از دیدگاه دیگری هم نگریست. ما نمونه دیگری را هم چند وقت پیش شاهد بودیم؛ ریحانه پارسا را یادتان می‌آید؟

محمدمهدی مصلحی:
لات کوچه خلوت این شکلیه، تهدید میکنه، کری میخونه، جوونا رو به آشوب تشویق میکنه، به گونی که هدایت میشه، به غلط کردن میفته. #محمد_صادقی

کاربری با نام «مهدی»:
قسمت طنز و تلخ ماجرا اینه؛ طرفدارهای محمد صادقی میخوان نظامی رو براندازی کنن که... طرفدارهایی معتقد همچون شهید آرمان علی‌وردی داره.

احمد روستایی:
بیایید جدی‌تر به مسئله نگاه کنیم. واقعاً چرا امثال محمد صادقی‌ها به آشوب دعوت می‌کنند و یک عده دیگر به خاطر حرف اینها خام می‌شوند و جانشان را فدای حرف کسانی می‌کنند که هیچ اندوخته سیاسی در ذهن ندارند و حتی از اداره یک مغازه هم ناتوانند؟! واقعاً ذهن جوانان ما به کدام سمت رفته است؟

کیان مهزاد:
بی‌آبرو کردن محمد صادقی هیچ آورده‌ای ندارد، او از اداره شخص خودش هم ناتوان بوده و هست و عمده فالوورهایش هم این را می‌دانند. به نظرم مشکل از آنجا شروع می‌شود که این آدم‌ها برجسته می‌شوند و رشد می‌کنند. کاش می‌شد به این پشت صحنه نور تاباند.

محمد جواد:
یقیناً پایان هر جوزدگی و ابتذال عقلی و برانیه؛ راهی که محمد صادقی رو از قله‌های موفقیت به چاه انحراف پرت کرد همون راه آدماییه که بدون تفکر تو دام غول‌های رسانه‌ای گرفتار میشن! مثل محمد صادقی نباشیم...!

آسیه علینژاد:
محمد صادقی برای مردم نسخه می‌پیچید که کلت و قمه بذارید پر شالتون. خودش کارد میوه‌خوری هم بر نداشت برای دفاع از خودش.

سیدپویان حسین‌پور:
محمد صادقی، نمادی از جریان بیمار سلبریتیسم در ایران است. جریانی که هم با نازل‌ترین کیفیت حرفه‌ای، از مدعی‌ترین جریانات اجتماعی در ایران است و هم حاضر است تمام جوانان کشور را به پای جوگیری‌های خود ذبح کند و البته خود در وقت خطر، سریع رنگ عوض کند و سر سالم به در ببرد.

عادل صالح:
محمد صادقی سلبریتی به گونی هدایت شد تا درس عبرتی باشه برای بقیه که مأموران نیروی انتظامی رو به خشونت تهدید نکنن. قانون برای همه یکسانه چه سلبریتی چه یه آدم عادی.

ضرورت وجود جامعه علمی معیار یا خوارداشت پژوهش‌های تخصصی!

دکتر حسن انصاری در کانال تلگرامی خود نوشت: اینترنت و فضاهای مجازی و قبل از آن رسانه‌های مختلف از آغاز دوران انتشار روزنامه‌ها و جریده‌های اجتماعی و سیاسی تا امروز تغییری اساسی در نظام مرجعیت‌های علمی و اجتماعی ایجاد کرده است. یکی از پیامدهای آن هم این بوده که دیگر تنها مدرسه و در دوران جدید دانشگاه نیست که مرجع تولید فکر است، بلکه فراخور سطوح مختلف اجتماعی ما با منابع گوناگون تولید و تغذیه فکری سر و کار داریم. امروزه فضاهای مجازی مکان‌هایی است برای تبادل و بحث و نظر درباره همه مسائل و این خود گاهی ممکن است موجب شود تخصص معنی خود را از دست بدهد یا با تصوری غلط از اهمیتش در میان طبقاتی کاسته شود.

در غرب با وجود انواع متفاوت امکانات رسانه‌ای و مجازی و امکان تبادل آرا در انواع و سطوح مختلف، دانشگاه تنها نهادی است که اتوریته مطلق علمی خود را همچنان حفظ کرده است. ممکن است درباره هر مسئله‌ای صدها اظهارنظر ریز و درشت و در سطوح مختلف رسانه‌ای و مجازی ابراز شود اما محک اصلی و معیار علمی بودن همچنان نهاد دانشگاه است. در محیط‌های رسانه‌ای و روزنامه‌ای و حتی روشنفکری ممکن است بحث‌های علمی با اهداف متفاوت سیاسی و انگیزه‌های مختلف حزبی یا ایدئولوژیک به سطح آید اما در نهایت به دلیل وجود و حضور قوی آنچه من آن را «جامعه علمی معیار» می‌خوانم محک درستی برای تشخیص و داوری علمی وجود دارد.

در ایران ما متأسفانه در جهت تقویت جامعه علمی معیار و نهاد مستقل دانشگاه تلاش زیادی نکرده‌ایم. بسیاری از تولیدات علمی ما خارج از نهاد دانشگاه شکل می‌گیرد و در علوم انسانی مرز میان مباحث رسانه‌ای و روشنفکری با مباحث دانشگاهی و آکادمیک کاملاً روشن نیست. بنابراین بسیاری از مباحث و از جمله مباحث تاریخی در فضاهای غیر دانشگاهی و از جمله رسانه‌ای و با انگیزه‌های تحزب‌های ایدئولوژیک، قومی یا روشنفکری مجال بحث و گفت‌وگو پیدا می‌کند. این امر به خودی خود می‌تواند امر مبارکی باشد به شرط آنکه اتوریته علمی دانشگاه و اهمیت تخصص علمی را از میان نبرد و آن را تحت‌الشعاع خود قرار ندهد.

در بسیاری از مسائل دینی و ملی این روزها شاهد بحث‌هایی در فضاهای رسانه‌ای و مجازی هستیم که طبقات مختلف و سطوح گوناگون اجتماعی را درگیر خود کرده است. این مسئله پدیده خوب و مبارکی است اما باید بدانیم در نهایت اتوریته نهاد دانشگاه و جامعه علمی در هر تخصصی لازم است تا به عنوان معیار و محکی برای داوری در این بحث‌ها مورد مراجعه قرار گیرد. در فضای بحث‌های نواندیشان دینی به طور مشخص شاهد آن هستیم که بحث‌های استحسانی رسانه‌ای و روزنامه‌ای گاهی جای بحث‌های دانشگاهی را گرفته. در بحث‌های تاریخی و بحث از هویت ملی و دینی یا موضوعات مرتبط با ایران پیش از اسلام هم در فضاهای مجازی شاهد اظهار نظرهایی با انگیزه‌های مختلف هستیم که متأسفانه بسیاری‌شان پشتوانه علمی ندارند و از آن تأسف بارتر اینکه بسیاری در این میان به مرجعیت نهاد دانشگاه و تخصص علمی تن نمی‌دهند. چنین است که در سال‌های اخیر گاه نویسندگانی بیرون از دانشگاه و به دلایل غیر علمی توانسته‌اند مرجعیت و پایگاهی اجتماعی برای خود دست و پا کنند که نمره علمی نوشته‌هایشان بسیار پایین است.

در ضعف یا فقدان چنین جامعه علمی معیار مرز گفتارهای علمی و غیرعلمی مخدوش می‌شود و سوگیری‌های مرتبط با گرایش‌های سیاسی و پسندهای عمومی برخاسته از موج‌های رسانه‌ای و سیاسی با میدانداری رسانه‌های جهت‌دار حرف اول را می‌زند. نگرانی واقعی اینجاست. وقتی روشنفکرانی صاحبنام موازین پژوهش و نظریه‌پردازی را در عرصه دین‌پژوهی و تاریخ‌نگاری اندیشه و مباحث علمی و پژوهشی نادیده می‌گیرند روشن است که الگوی غلطی به نو رسیدگان مدعی القا می‌شود که پژوهش علمی آکادمیک و انتقادی را جدی نگیرند و صرف تحسین‌های عمومی را که با موجی رسانه‌ای و تبلیغاتی می‌آید و با موجی دیگر می‌رود و در افق‌ها ناپدید می‌شود، جانشین جهد علمی قلم ببرند؛ سهل است به ناقدان اعتراض کنند که چرا به این پریشان گویی‌ها در عرصه دین پژوهی و اندیشه انتقاد دارید؟ نه آیا در برابر این موج پرگویی‌های دوپینگ شده رسانه‌های سیاسی زده که فرهنگ «نکته‌پرانی» و انشاءنویسی و مزاج‌گویی و خوارشماری مطالعات تخصصی را دامن می‌زنند وظیفه اهالی اقالیم علم و تخصص است که همگان را در عرصه فکر و قلم به ضرورت مرجعیت «جامعه علمی معیار» دعوت کنند؟

پیروز نبرد بین ماسک و زاکربرگ!

کاربری با نام «مصطفی» در توئیتی با انتشار تصویر فوق نوشت: از هوش مصنوعی پرسیده شد که چه کسی در نبرد بین ایلان ماسک و مارک زاکربرگ پیروز خواهد شد؟ جواب داد: «دوستی پیروز شد!» یعنی یه بازی برد-برد برای بیشتر دیده شدن جفتشونه و ما همه سرکاریم! #هوش_مصنوعی

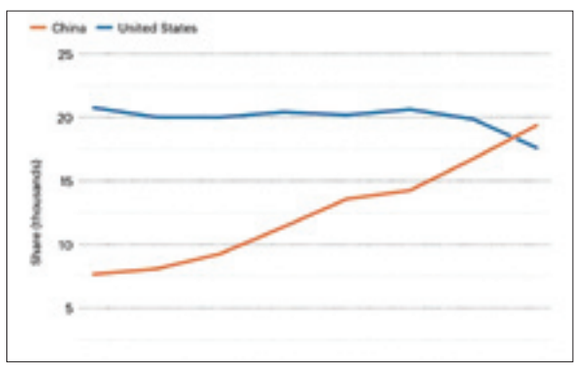

چین در علم هم از امریکا جلو زد!

مجید میرزایی توئیت کرد: انتشارات نیچر (منتشر کننده معتبرترین مقالات علمی و پژوهشی) اعلام کرده در سال ۲۰۲۲ برای اولین بار چین در تولید مقالات کیفیت بالا در زمینه علوم طبیعی (فیزیک، شیمی، زیست، زمین‌شناسی و...) از امریکا جلو زده و روند پیشرفت چین به طور قابل توجهی بهتر از امریکاست!

داستان عبدالله‌بن جعفر و امامت بر امام

کانال «مؤسسه تاریخ‌اندیشی قصص» در ایتا نوشت: در میانه راه از مکه تا کربلا، در یکی از منزلگاه‌ها نامه‌ای به امام حسین می‌رسد. از سوی عبدالله‌بن جعفر همسر حضرت زینب کبری. در نامه همان توصیه‌های همیشگی است که حسین جان نرو! به ضمیمه امان‌نامه‌ای از عمروبن سعیدبن عاص حاکم مکه. کسی که پیش از این برادرش یحیی‌بن سعید را برای جلوگیری از خروج امام حسین از مکه فرستاده بود که پس از مختصر درگیری میان او و یاران سیدالشهدا نتوانستند مانع خروج امام از مکه شوند. ماجرای امان‌نامه از این قرار است:

عبدالله‌بن جعفر که دلسوزانه سعی داشت امام حسین را از رفتن به کوفه منصرف کند، نزد عمروبن سعید می‌رود و از عمرو امانی برای حسین‌بن علی طلب می‌کند. عمرو به عبدالله در نوشتن متن امان‌نامه اختیار می‌دهد و به او می‌گوید «هر کار می‌کنی بکن، فقط جلوی رفتن حسین را بگیر.» در نامه به امام حسین هشدار داده شده که از ایجاد اختلاف و شقاق میان امت پرهیز کند و اگر برگردد، جان و مال او در مکه امنیت خواهد داشت. سیدالشهدا در جواب نامه می‌نویسد: «من اختلاف نمی‌افکنم، بلکه به خدا و عمل صالح دعوت کرده و به وظیفه مسلمانی خود عمل می‌کنم.» در برخی نقل‌ها آمده که حضرت فرمود: من در رؤیا رسول خدا را دیده‌ام و باید به این مسیر بروم. یعنی حسین رؤیای خود را یافته و همانند یوسف نبی، به دنبال آن حرکت می‌کرد و رنج‌ها را به جان می‌خرید. برخی معتقدند این نامه عبدالله را دو پسرش عون و محمد آوردند. اما با شنیدن جواب امام، به کاروان عاشوراییان پیوستند و به مکه بازنگشتند. این دو فرزند در کربلا به شهادت رسیدند. آنچه مهم است رفتار دلسوزانه اما ساده‌لوحانه عبدالله‌بن جعفر و مواجهه غلطش با امام خویش است. او برای حسین از کسی امان گرفته که دستور مستقیم از یزید برای ترور امام حسین داشته و حتی اقداماتی هم کرده بود. نکته دیگر آنکه عبدالله به جای آنکه در رکاب حسین بایستد، مکرر در مقام امامت بر امام خویش قرار گرفته و تلاش می‌کرده حسین را از رفتن باز دارد.

به‌راستی ما در مواردی نسبت به ولی زمان خویش همچون عبدالله‌بن جعفر عمل نمی‌کنیم؟

(منابع روایت: مقتل‌الحسین مقرم، ابصارالعین، الامام الحسین و اصحابه، مثیرالاحزان.)

درباب دوگانه «مقامات علمی / تبلیغ»

مهدی جمشیدی در کانال شخصی خود در پیام‌رسان «بله» نوشت: در چارچوب تحلیل بیانات اخیر رهبر انقلاب می‌توان گفت: ۱. معضل «کشف حجاب» به‌مثابه فرهنگ، برخاسته از کم‌اهتمامی به امر «تبلیغ» است؛ ۲. و تبلیغ، مستقر کردن حقایق ارزشی در متن «جامعه» است؛ ۳. اما نیروهای فکری، سرگرم «علم» شدند و از «تبلیغ»، غفلت کردند؛ ۴. «مقامات علمی»، نان و نام داشت و «تبلیغ» بی‌مقام بود.

تعلیقه:

۱ رهبر انقلاب، دوگانه «مقامات علمی/ تبلیغ» را بیان کردند تا نشان بدهند که گاهی «علم»، معطوف به «علم» است و گاهی معطوف به «جامعه». این در حالی است که «هدف دین» تغییر جامعه است. نباید از «تبلیغ منهای علم» دفاع کرد، ولی اکنون زمانه «علم منهای تبلیغ» است. جامعه، رها شده است.

۲ هنگامی که اعتبار و وجاهت، زاییده «مقامات علمی» شود و استادیاری و دانشیاری و استادی و اجتهاد، انگیزه حضور در عرصه عمومی را ببلعد، دیگر نباید انتظار داشت که کسی برای پرداختن به «وضع فکری و معنوی جامعه»، دل‌نگران باشد. آن‌گاه که طلب «مدرک»، غایت‌الآمال و ام‌الفضائل شود، «جامعه» تنها خواهد ماند.

۳ «حوزه» درنیافت که در دهه‌های گذشته، زیرکانه و آهسته توسط «دانشگاه»، استحاله گردید و از یک «نهاد معرفتی-فرهنگی»، به یک «نهاد معرفتی» فروکاهیده شد. حوزه در تمام تاریخ حیات خویش هم خاستگاه تولد «معرفت» بود و هم سرچشمه جوشش «معنا». هم پرچمدار «علم» بود و هم پیشران «فرهنگ». دانشگاه تجددمآب، او را تهیدست کرد. حوزه را از جامعه گرفتند تا بتوانند در این غیبت عالمانه، از ساختار ذهنی جامعه ایدئولوژی‌زدایی کنند.

فشار بر نامزدهای انتخابات امریکا برای رد کمک‌های مالی غول‌های فناوری

کانال «زاویه» در پیام‌رسان «بله» خبر داد: به گزارش وبگاه خبری Gizmodo، نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ امریکا با فشار یک گروه جدید فراحزبی مواجه شده‌اند که خواهان امتناع نمایندگان از دریافت کمک‌های مالی شرکت‌های بزرگ فناوری در انتخابات پیش‌رو هستند. کمپین «بدون پول غول‌های فناوری» که از روز سه‌شنبه آغاز به کار کرد، بر جدایی نفوذ و اعمال قدرت غول‌های فناوری از سیاست تأکید دارد. حامیان این پویش مدعی هستند که این شرکت‌ها نفوذ زیادی بر دموکراسی، اقتصاد و زندگی شهروندان امریکایی پیدا کرده‌اند. تعهدنامه‌ای که توسط این گروه تدوین شده است، به‌طور خاص مایکروسافت، آمازون، متا، اپل و آلفابت را هدف قرار می‌دهد و نامزدها را متعهد می‌کند مبلغی بیش از ۲۰۰ دلار را به عنوان کمک مالی از شرکت‌های فناوری دریافت نکنند. امضای این تعهدنامه، مفاد آن را برای همه مبارزات فعلی و آینده نامزد انتخابات فعال می‌کند. بر اساس گزارش‌های منتشر شده، تعهدنامه مذکور در زمان نگارش به امضای هیچ یک از مقامات سیاسی امریکا نرسیده است، اما «تلاش‌ها برای درخواست امضای این تعهد از نامزدهای ریاست‌جمهوری، سنا و مجلس در جریان است.» نمایندگان این گروه مدعی هستند، کسی که تعهدنامه را امضا کند، در اصل اعلام کرده است که دوست دارد به جای غول‌های فناوری، در کنار مردم قرار گیرد. کارشناسان، دلیل شکل‌گیری این پویش را قدرت و نفوذ بسیار زیاد شرکت‌های بزرگ فناوری مانند متا و گوگل و کنترل زیاد آنها بر سیاست می‌دانند. نفوذی که آسیب‌های بسیاری برای مشاغل کوچک در پی دارد و مسیر سیاست امریکا را تعیین می‌کند. سخنگوی این گروه مدعی شد: «به‌طور خاص، شرکت‌های بزرگ فناوری صدها میلیون دلار برای کمک‌های سیاسی و لابی‌گری جهت از بین بردن قوانینی که آنها را مهار کرده و رقابت را ترویج می‌کند، هزینه کرده‌اند.» بر اساس گزارش سازمان غیرانتفاعی «OpenSecrets»، شرکت‌های فناوری در سال‌های اخیر هزینه‌های سیاسی خود را به‌شدت افزایش داده و به حدود ۲/۱۰۶ میلیون دلار در سال ۲۰۲۰ رسانده‌اند. این در حالی است که مبلغ کمک‌های مشابه، در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸، به ترتیب ۴۷/۱ و ۳۷/۷ میلیون دلار بوده است.

تصویر منتخب

۹۰ سال بعد از اولین عکس فیزیکدان‌ها با حضور تنها یک زن (ماری کوری) زنان فیزیکدان عکس مشابهی با حضور تنها یک مرد فیزیکدان منتشر کردند.